



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



07/02/2023

محمد صالح گردش

قداًت زبان پشتو، فقط در پیوند پته خزانہ نیست

در همین روز های نزدیک یک بار دگر بحث و مشاجره بر سر مستند بودن و غیر مستند بودن اثر «پته خزانہ» (یکی از آثار ادبی زبان پشتو) در دنیای مجازی داغ شد که مایه و پایه این مشاجره ها بیشتر بر سر گفته ها و اظهار نظرهای دکتر فطرت ناشناس یکی از گلوکاران و هنرمندان نولسانین کشور می چرخید. بر پایه نوشته و اظهار نظر یکی از دوستان اهل فضل، «سیاه سنگ» نمی بایست از این شخصیت هنری و در سن و سال داشته اش چنان استفاده و سود می جست. به هر حال حالا دگر برای کسی چون من اصل و جعل آن اثر نیز ارزش و اهمیتی ندارد زیرا نبود و هم جعل پته خزانہ باز هم نمی تواند هویت حضوری ۵۰ ملیون پشتون را به دو سوی خط دیورند و کشور های هند و ایران و جاهای دگر کتمان و پرده اندازی نماید.

می باید به این حقیقت پی برد که ملیت پشتون یک حقیقت بلا انکار است، پس زبان و فرهنگ این قوم نیز غیر قابل انکار و غیر قابل چشم پوشی خواهد بود و با این حضور گسترده پشتون ها در ساحه، کسی نمی تواند این قوم را یک قوم تاریخی نداند، زیرا کسی از زیر بته پیدا نشده و هر قوم و تبار بدون انکار، با طی مسیر تاریخ گذشته خود تا به امروز رسیده و حضور فزینگی و فرهنگی دارند و حتا مهم نیست که نوشته های کتبی از گذشتگان داشته باشند یا نه. در جهان بسیار اقوام و ملت هایی وجود دارند که از گذشته های دور تاریخ و ماقبل آن چیزی بدست ندارند اما این به معنایی نیست که اسلاف ایشان در گذشته وجود نداشته و بعد از اسلاف مدعیان هویت و صاحبان تاریخ پا به عرصه هستی گذاشته باشند.

بدون شک و تردید زبان پشتو نیز از قداًت دور و ناپیدا برخوردار است. من که خود یکی از شاگردان و علاقمندان تاریخ این حوزه فرهنگی و تاریخی بوده ام، در پشت ها و گات ها (اوستا) ده ها واژه و کلمه را بیرون نویسی نموده ام که فقط اثر و موجودیت آن کلمات را می توان در زبان پشتو رد یابی نمود و نه در زبان های دیگر. دوستان می توانند در رابطه، به آثار به چاپ رفته و هم مقالات منتشر شده ام در وب سایت افغان جرمن آنلاین مراجعه نمایند. پس بالاتر و مقدمتر از متون اوستایی در این حوزه کدام اسناد تاریخی وجود خواهد داشت؟ همچنان بعضی از بدبینان تلقین شده نسبت به قوم پشتون، این قوم را یکی از قبایل یهود می دانند. به جواب می افزایم، فرضاً اگر این قوم یکی از شاخه های قوم یهود نیز باشد، پس کدام قوم ساکن این حوزه جغرافیایی تاریخ و هویت بلندتر و بالاتر ازین قوم داشته و دارند؟ به اساس اطلاعات تاریخی قوم یهود تاریخی با قداًت تر از ماد ها و پارس ها داشته و دارند و یکی از وقایع تاریخی گواه به قداًت زیست قوم یهود همان است که کوروش کبیر (نخستین شاه پارسی) بعد از فتح بابل نسبت به قوم یهود که توسط شاهی بنام بخت النصر قبلاً از اورشلیم متواری و تبعید گردیده بودند، مدارا شده و دو باره ایشان را به سرزمین اورشلیم جابجا گردانید.

پته خزانہ اثر زیست حاوی تذکره چند شاعر زبان پشتو، مگر قابل پرسش است که چرا این اثر به یک عقده پر دردی برای یک تعداد ادیبان متعصب غیر پشتون مبدل گردیده است؟ همین مورد برای کسانی چون من خیلی دردناک و غیر قابل تحمل است. و باز اگر پشتون ها شاخه بی از قوم یهود بوده اند، خون یهودیت در رگهای بسیار دیگری از اقوام باشند این دیار نیز جاریست. چنانکه آثار زیست یهود ها در ولایت غور بر پایه بقایای قبور ایشان در نواحی فیروز کوه، با استناد به قول عبدالحی حبیبی و هم از اینکه شهر میمنه را بنام یهودیه می نامیدند، همچنان از اینکه زادگاه شهید بلخی راناحیه ی به نام یهودان از بلخ دانسته اند، همه اش دلایلی است که خون یهودی بر علاوه پشتون ها به رگ های اقوام و قبایل دگر این خطه نیز جاری خواهد بود. پس بهتر است تا فریب سیاست های تفرقه بینداز و حکومت کن را نباید بیش از این خورد که در نتیجه غلبه و پیروزی چنان سیاست، فقط و فقط ما همه، یعنی ما ملت افغان صدمه خواهیم دید و بس و نه اهل سیاست و پیشوایان قومی و سمتی که در خفا با هم در پیوند و تیبانی نیز قرار داشته اند و نفاق ما تا به حال منبع مهم عایداتی و معامله های بینی و پنهانی شان نیز بوده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الریلو مخکي په خیر و لولئ